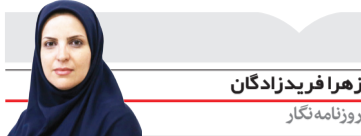




چرا قیمت چادر نجومی شد؟

ماfiای واردات چادر مشکی نفس تولید را گرفته است



زهرا فریدزادگان

روزنامه نگار

ایران با بالاترین سرانه مصرف پارچه چادر مشکی، یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان این محصول در جهان به شمار می‌رود. مصرف چادر مشکی در ایران از تمامی کشورهای مسلمان منطقه همچون عربستان نیز و قاره‌های دیگر بیشتر است. با این رویکرد، تولید پارچه چادر مشکی همواره یکی از اولویت‌های صنعتی در بخش صنایع نساجی و پوشاک کشور بوده است. با وجود این تولید پارچه چادر مشکی در ایران نیاز مصرفی کشور را تامین نمی‌کند. در سال‌های نه‌چندان دور کشورهایی مانند سوئیس، ژاپن و کره عمده تولیدکنندگان بازار داخلی ایران بودند اما طی سال‌های اخیر، تولیدات کشورهای چین، تایلند، اندونزی و ویتنام نیز پا به بازار پارچه چادر مشکی ایران گذاشته‌اند. نبود انگیزه سرمایه‌گذاری در صنعت تولید پارچه چادر مشکی توسط بخش خصوصی واقعی، قیمت تمام شده بالای تولید داخل و عدم رقابت‌پذیری با پارچه‌های وارداتی، قاچاق سازمان‌یافته، نبود دانش فناوری‌های لازم برای تولیداتی که بتوانند با پارچه‌های وارداتی رقابت کنند و عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان داخلی، مهم‌ترین چالش‌هایی است که موجب شده تولید چادر مصرفی زنان ایرانی در دست تولیدکنندگان خارجی باشد.

یک درصد نیاز کشور تولید می‌کنیم

طبق آمارهای انجمن صنایع نساجی کشور، در حاضر میزان مصرف پارچه چادر مشکی در کشور بیش از ۵۰ میلیون مترمربع است. اگر ۱۵ میلیون نفر از جمعیت کشور به صورت مستمر و غیرمستمر از چادر مشکی استفاده کنند و اگر هر بانوی ایرانی سالانه به صورت میانگین دو قواره چادر مشکی (جمعاً ۱۰ مترمربع) نیاز داشته باشد، در نتیجه نیاز مصرفی کشور به چادر مشکی در سال معادل ۷۵ تا ۱۵۰ میلیون مترمربع خواهد بود. این در حالی است که تنها ۱۰ میلیون متر مربع یعنی حدود یک درصد از پارچه مورد نیاز برای دوخت چادر مشکی، در کشور تولید می‌شود.

تعطیلی دو کارخانه تولید پارچه چادر مشکی

در حال حاضر سه کارخانه «یزد بافت»، «حجاب شهرکرد» و «کرپ‌ناز کرمانشاه» در کشور در بخش

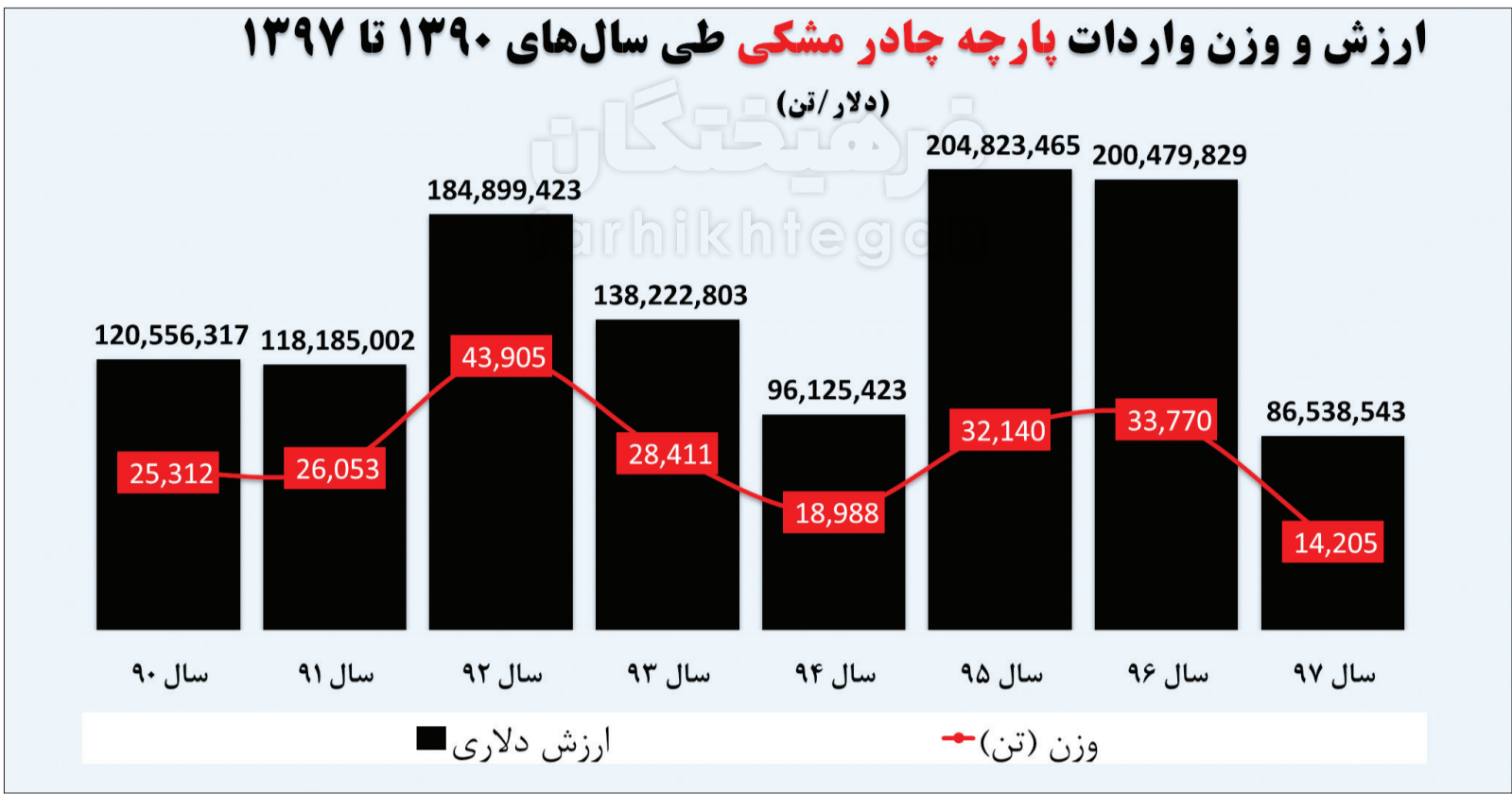
تولید پارچه چادر مشکی فعالیت می‌کنند. تا پیش از سال ۹۱، دو کارخانه «نای‌زرین اصفهان» و «ایران مینوس» نیز با اختصاص بخشی از خط تولید خود به تولید پارچه چادر مشکی، بخش قابل توجهی از نیاز مصرفی کشور را تامین می‌کردند، اما خط تولید پارچه چادر مشکی این دو کارخانه پیش از آنکه به اهداف از پیش تعیین شده خود دست‌یابد، متوقف شد. کارخانه کرپ‌ناز کرمانشاه نیز که مالکیت آن در دست بانک ملت بود، در سال ۸۸ یک بار با تعطیلی مواجه شد. افت تولید این کارخانه به یک‌چهارم ظرفیت اسمی خود و عدم امکان نوسازی کرپ‌ناز برای مسئولان بانک ملت موجب شد تا طی قراردادی، این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شود.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد وضعیت تولید پارچه چادر مشکی، در سال ۹۴، ظرفیت اسمی تولید پارچه چادر مشکی در کارخانه حجاب شهرکرد و کرپ‌ناز کرمانشاه، ۱۰ میلیون متر مربع و در کارخانه یزد بافت یزد، ۶ میلیون مترمربع بوده است. به این ترتیب سه کارخانه فعال در حوزه تولید پارچه چادر مشکی در سال ۹۴ قادر به تولید

سالانه ۲۶ میلیون مترمربع پارچه چادر مشکی بوده‌اند. این در حالی است که در سال ۹۷ و طبق گفته رئیس انجمن صنایع نساجی کشور این رقم به ۱۰ میلیون مترمربع کاهش یافته است.

واردات ۸۶ میلیون دلاری پارچه چادری

پارچه چادر مشکی تحت زیر فصل‌های تعرفه ۵۴۰۷ و تحت عنوان پارچه‌های تار و پود باف از نخ رشته‌های سنتتیک و پارچه‌های تار و پود باف که از مواد شماره ۵۴۰۴ به دست می‌آید، وارد و صادر می‌شود. بر این اساس، آمار گمرک نشان می‌دهد که در سال ۹۷ با این کد تعرفه، معادل ۱۴ هزار و ۲۰۵ تن پارچه چادر مشکی به ارزش ۸۶ میلیون و ۵۲۸ هزار دلار از کشورهای چین، امارات متحده عربی و ترکیه وارد کشور شده است. این در حالی است که در سال ۹۷ معادل چهار هزار و ۶۴۰ تن پارچه چادر مشکی (طبق کد تعرفه ۵۴۰۷) به ارزش ۱۶ میلیون و ۷۵۲ هزار دلار از ایران به کشورهای عراق، افغانستان، کانادا، آلمان، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ژاپن صادر شده است.



مشکی افزوده است. هرچند به گفته فعالان این صنعت افزایش هزینه‌های منابع انرژی، مالیات بر ارزش افزوده و اعطای وام‌های پربهره و نبود دانش و فناوری به روز و موانع دیگر باعث شده است که سهم بازار کشور از تولیدات داخلی روزبه‌روز کمتر شود. مضاف بر این، پارچه چادری محصولی نیست که به سادگی و با تجربه عادی بتوان آن را تولید کرد. زیرا نیاز به فرآیندها و ماشین‌آلات و مواد مصرفی خاص خود دارد. برای اولین بار در خرداد ماه سال ۹۶ استاندارد پارچه چادر مشکی تدوین و ابلاغ شد در حالی که پیش از آن استاندارد یی برای این پارچه وجود نداشت. فعالان صنعت نساجی می‌گویند در حال حاضر دولت تلاشی برای سرپاینگه داشتن کارخانه‌های تولید چادر مشکی نمی‌کند. از سوی دیگر، مافیای قدرتمند موجود در این بخش موجب شده تولیدکنندگان توان مقابله با آن رانداشته باشند. براساس آمار ی که مدیرعامل یکی از شرکت‌های تولیدکننده پارچه چادر مشکی ارائه داده است ارزان ترین پارچه‌ای که وارد کشور شده ۱/۲ دلار و گران‌ترین آن ۹/۵ دلار قیمت داشته است. متوسط قیمت واردات پارچه چادر مشکی نیز ۲/۲ دلار بوده و وخامت اوضاع تامین مواد اولیه تولید پارچه چادر

بازار چادر مشکی در قرق مافیای پارچه

جنس پارچه چادر مشکی عمدتاً از الیاف پلی‌استر (فیلامنت) در ظرافت‌های مختلف است. از نظر نقشه و بافت نیز می‌توان پارچه چادر مشکی را به‌صورت بافت ساده (تافته)، کرپ، کرپ‌ناز، ژاکارد بافت و نقش برجسته یا عمقی طبقه‌بندی کرد. رنگ مصرفی جهت رنگ‌رزی، «پلی‌استر» و «رنگ‌زای دیسپرس» است که رنگی شیمیایی بر پایه مواد آلی بوده و به طریق مصنوعی تهیه می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات پارچه‌های چادر مشکی، مرغوبیت رنگ آن است. تامین مواد اولیه مورد نیاز برای تولید پارچه چادر مشکی از جمله مواعع پیش روی تولیدکنندگان در کشور است. اگرچه برای تولید سایر پارچه‌ها، مواد اولیه مانند نخ یا مواد شیمیایی به صورت تولید داخلی یا وارداتی در بازار موجود است و تولیدکنندگان داخلی مشکلی از بابت تامین مواد اولیه خود ندارند، اما در زمینه تولید پارچه چادر مشکی چنین شرایطی در کشور وجود ندارد. در این میان افزایش نرخ ارز و عدم ثبات آن، طی یک سال اخیر، بر وخامت اوضاع تامین مواد اولیه تولید پارچه چادر

جوابیه

جوابیه وزارت نفت به گزارش «فرهیختگان»

توضیحات «فرهیختگان»

شده بود، همواره شرکت‌های دولتی رسانه‌های جمعی را ناآگاه به مسائل و امور داخلی این شرکت‌ها خطاب می‌کردند، اما خوشبختانه با مطالبه عمومی که از سال ۱۳۹۷ در رسانه‌ها و سطح جامعه شکل گرفت، نمایندگان مجلس به موضوع بودجه شرکت‌های دولتی از جمله شرکت ملی نفت و نفت ورود کردند که قطعاً اطلاعات ارائه شده از سوی محمد حسینی، رئیس کمیته بررسی بودجه شرکت‌های دولتی در مجلس مستدل و مستند است. شرکت ملی نفت در جوابیه خود نه تنها رقم دقیقی از حقوق و دستمزد دریافتی کارکنان این شرکت را اعلام نکرده، بلکه با ذکر این نکته که کارکنان شرکت ملی نفت در بدترین و سخت‌ترین شرایط اقلیمی به کشور مشاغل عملیاتی صنعت نفت، استدلال می‌کند پس کارکنان شرکت حق دارند حقوق و دستمزد بالاتر دریافت کنند. بر این اساس شرکت ملی نفت به‌طور غیرمستقیم ارقام دریافتی نسبتاً بالای کارکنان را تایید و البته حق کارکنان آنان می‌داند. در این میان سوال این است که نیروهای انتظامی و نظامی کشور که شب و روز در مرزهای کشور و اتفاقاً در سرما و درگیری با دشمنان این ملت، امنیت کشور را فراهم می‌کنند، آیا آنها هم از این چنین حقوق و دستمزدی برخوردارند؟ پاسخ قطعاً خیر است.

در جوابیه شرکت ملی نفت آمده است: «بنابر مستندات موجود، حقوق دریافتی کارکنان این شرکت معادل یک‌پنجم کارکنان بخش خصوصی و یک‌سیستم شرکت‌های بین‌المللی است.» در این زمینه باید گفت اولاً معلوم نیست استناد شرکت ملی نفت به حقوق و دستمزد کارکنان کدام بخش خصوصی است و اگر قرار بر مقایسه حقوق و دستمزد هاست، چرا این شرکت حقوق دریافتی کارکنان خود را با حقوق دریافتی معلمان، کارگران مشاغل سخت همچون استخراج معدن، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و دیگر اقشار مقایسه نکرده تا فهم آن برای عامه واضح‌تر و روشن‌تر باشد. ثانیاً با توجه به وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشور، استناد به حقوق دریافتی کارکنان شرکت‌های بین‌المللی نیز نه تنها از هیچ منطبق علمی و فنی‌ای برخوردار نیست، بلکه تنها یک راور به جلو برای توجیه هزینه‌های جاری بسیار بالای این شرکت است. در نهایت آنچه در گزارش روزنامه «فرهیختگان» آمده با استناد به آمارهای مرکز آمار ایران، گزارش تفریح سالانه بودجه و گزارش مستند آقای محمد حسینی، رئیس کمیته بررسی بودجه شرکت‌های دولتی در مجلس بوده که اتفاقاً همه این آمارها برای همه مخاطبان به راحتی قابل دسترسی است.

با توجه به مطالب مطرح‌شده در جوابیه شرکت ملی نفت ایران، «فرهیختگان» لازم می‌داند برای تنویر افکار عمومی توضیحاتی پیرامون گزارش و در پاسخ به جوابیه شرکت ملی نفت ارائه دهد.

در جوابیه شرکت ملی نفت آمده است: «روزنامه فرهیختگان با استناد به منابع غیرموثق و آمار نادرست حقوق و دستمزد دریافتی کارکنان شرکت ملی نفت را بین ۱۵ تا ۱۸ میلیون تومان ذکر کرده است.» در پاسخ به این ادعای شرکت ملی نفت قابل ذکر است در دی‌ماه سال ۱۳۹۷ محمد حسینی، رئیس کمیته بررسی بودجه شرکت‌های دولتی در مجلس آمار تفصیلی بودجه جاری شرکت ملی نفت را که در آن بودجه حقوق و دستمزد شرکت نیز درج شده بود، منتشر کرد که فرهیختگان هم با استناد به همین آمار و ارقام و البته با تطبیق بودجه حقوق و دستمزد و تعداد کارکنان شرکت ملی نفت رقم ۱۵ تا ۱۸ میلیون تومان را به‌عنوان میانگین حقوق دریافتی کارکنان این شرکت ذکر کرده است. در این زمینه با توجه به اینکه متأسفانه بودجه شرکت‌های دولتی سال‌ها بدون بررسی در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شد و از این منظر شرکت‌های دولتی به حیاط خلوت سیاست‌یون تبدیل

یک‌بیست و پنجم شرکت‌های بین‌المللی نفتی است. در این خصوص لازم است تا یک‌بار برای همیشه بر این تصور اشتباه که کارکنان شاغل در صنعت نفت در قیاس با دیگر صنایع، از دستمزد دریافتی و مزایای بیشتری بهره‌مندند، خط بطلان کشید.

۴- در گزارش تحلیلی روزنامه فرهیختگان با استناد به منابع غیرموثق و اطلاعات و آمار نادرست میانگین حقوقی هر کارمند شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۱۷ میلیون و ۸۸۸ هزار تومان اعلام شده و برای اثبات این ادعا به میانگین دریافت حقوق سالانه هر کارمند در وزارت نفت اشاره شده است، این در حالی است که این رقم نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه میانگین حقوق دریافتی کارکنان فعال در صنعت نفت محسوب شود.

توضیح اینکه در استدلال ارائه‌شده در این گزارش، بودجه جاری اختصاص داده شده شرکت ملی نفت ایران به حقوق و دستمزد کارکنان بر تعداد نفرات کارمندان رسمی که عدد آن نیز به‌درستی اعلام نشده-صرف‌نظر از اعلام نیروهای پیمانکاری، قرارداد مدت معین و قرارداد مدت موقت- تقسیم شده و عددی به‌عنوان میانگین اعلام شده است؛ در حالی که استفاده از این روش برای تعیین میانگین حقوق هر فرد کاملاً ناصحیح است.

۵- درصد افزایش سقف حقوق‌ها در صنعت نفت مطابق قانون (درخصوص اعلام سقف پرداختی) و همانند دیگر ارگان‌های دولتی براساس مصوبه‌های دولت (برای کارکنان رسمی) و اعلام وزارت کار (برای نیروهای قراردادی و پیمانکاری) انجام می‌شود.

این در حالی است که نیروهای شاغل در صنعت نفت بسته به نوع و محل فعالیت، سابقه کاری، اقماری بودن خدمت در شمال و جنوب و... رقم‌های متفاوتی دریافت می‌کنند و بر همین مبنا نمی‌توان رقمی به‌عنوان میانگین پرداختی به تمامی کارکنان اعلام کرد. مزید اطلاع این نکته نیز یادآوری می‌شود که وزیر محترم نفت در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری یکشنبه شب گذشته با شبکه دو سیما اعلام کرد که از میان بیش از ۱۰۰ هزار کارمند شاغل در صنعت نفت، شاید ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر به‌دلیل سابقه کاری توانسته‌اند به سقف حقوق اعلام‌شده از سوی دولت دست یابند.

محمد ناصری- رئیس روابط عمومی

نفت بسیار پایین‌تر از کارکنان هم‌رده در دیگر سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی است- حال آنکه متأسفانه به‌دلیل سهم ناچیز نفت از بودجه این مهم میسر نمی‌شود. آیا نگارنده محترم گزارش روزنامه فرهیختگان تاکنون به این مطلب فکر کرده است که چگونه می‌توان تلاش‌ها و سختکوشی‌های شبانه‌روزی کارکنان صنعت نفت را به‌عنوان گردانندگان اصلی اقتصاد کشور- در شرایط بسیار دشوار، در وسط دریا و میان سکوهای نفتی و به‌دور از خانواده جبران کرد؟! ۳- بنا بر مستندات موجود، حقوق دریافتی کارکنان صنعت نفت یک‌پنجم کارکنان فعال در بخش خصوصی و

از طرف دولت و وزارت کار برای کارکنان را نیز به‌دهد. ۲- متأسفانه نگارنده گزارش مورد بحث، وضعیت شغلی و حقوقی کل کارکنان دولت را با هم مقایسه می‌کند که این قیاس مع‌الفارق با شاخص‌های صحیحی انجام نمی‌شود. بدون شک شرایط سخت کاری در دمای شرحی بعضاً بالای ۵۰ درجه و در مواجهه با مشاغل خطرناکی چون مشاغل عملیاتی صنعت نفت، ایجاب می‌کند که میزان دستمزد‌های انگیزشی برای کارکنان فعال در این صنعت بیشتر از دیگر مشاغل اداری و ستادی دولتی باشد؛ کم‌اینکه میزان دستمزد بسیاری از کارکنان ستادی وزارت

بلکه در مقایسه با برخی سال‌ها حتی به نصف نیز کاهش یافته است (برای نمونه میانگین فروش نفت خام در سال ۱۳۸۸ بالغ بر ۱۴۷ دلار در هر بشکه بوده است؛ این در حالی است که این رقم در سال جاری به ۶۷ دلار کاهش یافته است) تنها در مقایسه‌ای ساده بین این دو سال این نکته محرز می‌شود که در عین اینکه هزینه‌های جاری طی همین مدت حداقل به بیش از پنج‌برابر افزایش یافته است، اما بودجه تخصیص یافته به نفت حداقل به نصف کاهش یافته و پرواضح است که این مبلغ حتی نمی‌تواند تکافوی هزینه‌های جاری و حداقل افزایش دستمزد‌های اعلام‌شده